

نظری اجمالی به سفال قالب زده عصر سلجوقی

مریم دژم خوی*

چکیده

با توجه به آن که ظروف سفالین از دوران پیش از تاریخ تا به امروز همیشه مورد استفاده مردم بوده و سفالگری، هنری کاملاً کاربردی محسوب می‌شود، طبعاً در ساخت آن پیشرفت‌های قابل توجهی به وجود آمده است و هیچ‌یک از صنایع ایران از نظر تنوع با فن سفالگری قابل مقایسه نمی‌باشد. شاید بتوان سفال دوران اسلامی را از نظر ابداعات تکنیکی و فنی و تنوع مضامین، شاهکار سفالگری ایران دانست که به نوبه خود وام‌دار سفالگری ادوار پیشین است. در میان ادوار مختلف سفالگری اسلامی، دوره سلجوقی از جمله دوره‌های درخشان این هنر محسوب می‌شود.

یکی از گونه‌های سفالی رایج در عصر سلجوقی که از ابداعات سفالگران این عصر به شمار می‌رود، سفال با نقش قالب‌زده است. علی‌رغم ابداعات فنی و تنوع نقش‌مایه‌ها و مضامین این سفال، نتایج مربوط به سفال اسلامی به صورت بسیار گذرا و مختصر به آن پرداخته‌اند. مشهورترین نمونه‌های سفال قالب‌زده مربوط به

کاوش‌های نیشابور بوده (بنگرید به Wilkinson, ۱۹۷۳) و جدیدترین اطلاعات در رابطه با این سفال نیز از کاوش‌های محوطه باستانی دقینوس (جیرفت کهن) بدست آمده است. نوشتار حاضر سعی دارد به بررسی انواع سفال قالب‌زده، به شیوه ساخت، مضامین، نقش‌مایه‌ها و مراکز تولید این سفال بپردازد.

درآمد

تا پیش از عصر سلجوقی تزئینات سفال‌های بی‌لعب شامل نقوش افزوده، کنده یا استامپی بود که میراثی از دوره‌های اشکانی و ساسانی به شمار می‌رفت. شیوه قالب زده، رایج‌ترین شیوه تزئین سفال بی‌لعب در عصر سلجوقی است که در تزئین سفال‌های لعاب‌دار نیز به کار می‌رفت. اگرچه تزئینات استامپی روی سفال‌های بی‌لعب قرون اولیه اسلامی نیز به صورت محدود به کار می‌رفت اما کاربرد گسترده این نوع تزئین با تکنیک قالبی بر روی سفال به همراه تنوع شگرف مضامین و ابداعات تکنیکی و هنری مانند تولید سفال قالب زده با

سپس قالب‌ها را برداشته و خمیر قالب‌خورده را خشک کرده و در کوره می‌پزند (کامبخش فرد، ۵۱: ۱۳۴۹). بدیهی است قالب‌هایی که دارای طرح گود بوده‌اند تزیین به صورت برجسته نمایان می‌شده و قالب‌هایی با طرح برجسته‌ترین گود ایجاد می‌کرده‌اند.

قالبگیری را می‌توان به حالتی مخصوص از چاپ تشبیه کرد و باید توجه نمود که تزیین بدست آمده با این روش درحقیقت نتیجه دو عمل مختلف است: قالب وسیله تولید نامحدود و تکراری با روش دستی بوده است، نمونه‌هایی در دست است که سفالگر نام خود را بر آن حکاکی کرده که به عقیده برخی کارشناسان این نام کمتر به عنوان امضای اثر و بیشتر به عنوان علامت یا نشانه مالکیت به کار برده می‌شده است (رفیعی، ۴۷: ۱۳۷۷).

از کاوش‌های باستان‌شناختی در نیشابور، ری، جرجان (بنگرید به رفیعی، ۱۳۷۷: ۱۹۷۳، Wilkinson) و جیرفت (بنگرید به چوبک، ۱۳۸۳) علاوه بر کشف ظروف سفالین قالب‌زده، قالب آن نیز بدست آمده است. «کاربرد قالب‌ها در تولید ظروف قالب‌زده در نیشابور، در اواخر قرن یازدهم میلادی (پنجم هجری) یا اوایل قرن دوازدهم معمول شد و به نظر می‌رسد تا پایان دوره سلجوقی ادامه یافته است.» (Wilkinson، ۱۹۷۳: ۲ و ۱).

سفال قالب‌زده بی‌لعب

خمیره این سفال به رنگ‌های نخودی، قرمز و خاکستری است و «شکل آن به صورت مقمه، کوزه‌های کوچک دسته‌دار، خمره‌های کوچک و آبخوری‌های پارچ مانند یا تنگ شلغمی کوتاه و دسته‌دار است.» (توحیدی: ۲۶۴: ۱۳۷۹). سفال قالب‌زده بی‌لعب نسبت به نوع لعاب‌دار آن از قدمت بیشتری برخوردار است و در قرون اولیه اسلامی نیز به کار می‌رفته است. سفال بی‌لعب قالب‌زده سلجوقی طرح‌های تزیینی برجسته‌ای دارد که به تقلید از فلزگری و گچبری به وجود آمده است (کامبخش فرد، ۴۶۹: ۱۳۷۹).

سفال قالب‌زده با لعاب یک‌رنگ

سفال قالب‌زده لعاب‌دار سلجوقی از لحاظ جنس خاک و ترکیبات و آمیزه با نوع بدون لعاب آن کاملاً متفاوت است و از نظر زمانی نیز نسبت به نوع بی‌لعب متأخرتر و ابداع سفالگران عصر سلجوقی می‌باشد. در ساخت این سفال از خمیر شیشه یا «کاتولین» استفاده

لعاب یک‌رنگ، حاصل تلاش سفالگران عصر سلجوقی است. در شیوه قدیمی‌تر این نوع تزیین که از دوره تاریخی برای تزیین بدنه سفال به کار می‌رفت از مهر یا «استامپ» استفاده می‌شد. به تدریج و همراه با پیشرفت‌های فنی سفالگری، شیوه قالب‌زده که با استفاده از قالب باعث تسریع کار و تولید انبوه می‌شد، جای تکنیک استامپی را گرفت. هرچند که این شیوه نیز تا مدت‌ها به کار می‌رفت.

تکنیک قالب‌زده را «روی سفال‌های بدون لعاب کوچک به‌ویژه در ظروفی که بدنه آنها کاملاً کروی نیست و گاه به تقلید از ظروف فلزی به صورت چندوجهی ساخته شده‌اند، می‌توان دید. این نقوش معمولاً با قالب روی بدنه و در ظروف بزرگتر روی شانه و قسمت‌های ضخیم‌تر ظروف ایجاد می‌شده است.» (توحیدی، ۲۵۹: ۱۳۷۹). پژوهشگران تا مدت‌ها، تولید نمونه‌های مختلف سفال قالب‌زده را به بین‌النهرین نسبت داده و سهم ایران را ناچیز می‌شمردند ولی با انجام کاوش‌های باستان‌شناختی نیشابور، ری، استخر و ساوه جزء مراکز اصلی ساخت این ظروف شناخته شده‌اند. (بهرامی، ۴۵: ۱۳۲۷)

ظروف قالب‌زده به دودسته «سفال قالب‌زده بدون لعاب» و «سفال قالب‌زده با لعاب یک‌رنگ» تقسیم می‌شوند. اوج رواج سفال قالب‌زده قرون ششم، هفتم و هشتم هجری می‌باشد و نمونه‌های بسیار زیبایی آن مربوط به هنر سلجوقی، خوارزمشاهی و ایلخانی است.

تکنیک ساخت

این نوع تزیین از فشردن گل رس مرطوب درون قالبی از گل پخته یا فلزی انجام می‌شده است (رفیعی، ۴۷: ۱۳۷۷). قالب‌های منفی به شکل مهرهایی از چوب یا سنگ و حتی سفال تولید می‌شدند و سفالگران جهت نقش‌اندازی روی بدنه سفال‌ها از این مهرها استفاده می‌کردند (کامبخش فرد، ۱۳۷۹: ۴۵۸). ضخامت قالب‌های سفالی در بعضی ۲ سانتی‌متر و در پاره‌ای تا ۳ سانتی‌متر می‌رسد (کامبخش فرد، ۵۲: ۱۳۴۹). دسته‌بندی قالب‌ها وجود سبک‌های منطقه‌ای را در تولید آن‌ها نشان می‌دهد (خلیلی، ورونیت، ۱۳۹: ۱۳۸۴).

ایجاد نقش به وسیله دو قالب جدا انجام می‌گیرد. روش قالب زدن سفال به این ترتیب است که ابتدا دو نیمه ظرف را که درونش به نقش‌کننده مزین است مانند قالبگیری در مجسمه سازی، به هم بسته و خمیر گل را بر آن می‌مالند. پس از این که خمیر تمام زوایای نقش‌کننده را پر کرد، آن را بر روی چرخ سفالگری چرخ می‌دهند،

گاهی اوقات نیز مضمون‌های مشخصی از وقایع مهم تاریخی، بزم‌ها، زندگی مردم عادی و به‌ویژه داستان‌های شاهنامه فردوسی منعکس شده است. علاوه بر این سفالگران مجالس شکار و سوارکاری را به عنوان نمادی از شجاعت و دلیری نقش می‌کردند (رفیعی، ۱۳۷۷: ۸۴). نقش‌مایه‌ها و مضامین متأثر از هنر ساسانی نیز تا مدت‌ها روی این سفالها به کار می‌رفت. در سفال‌های جرجان، نیشابور و جیرفت از نقوش اساطیری و حیوانات خیالی نیز استفاده شده است. پیکره‌های شیر، ققنوس، پرنده با سر انسان، حیواناتی مانند بزکوهی و پیکره‌های انسان نشسته از نقش‌مایه‌های اصلی این سفال‌ها به شمار می‌روند. در میان نوشته‌های قالبی روی سفالینه‌ها، نوشته‌هایی که به شیوه کوفی انجام شده، قابل مقایسه با کتیبه‌های کوفی آجری بناهای مذهبی، نوشته‌های ظروف فلزی عهد سلجوقی و خوارزمشاهی است و به نظر می‌رسد هنرمندان واحدی مسؤولیت نگارش روی ظروف فلزی و سفالینه‌ها را بر عهده داشته‌اند (کریمی، کیانی، ۱۳۶: ۶۹). کتیبه‌های این سفال‌ها را کلمات قصار، اشعار، احادیث، گفته‌های بزرگان، ضرب‌المثل‌ها و... دربرمی‌گیرد که عموماً به شیوه کوفی به‌ویژه در جداره داخلی و سپس بر کف یا روی آن جای گرفته است (عباسیان، ۱۳۷۹: ۹۰).

در کنار این مضامین باید به جملاتی حاوی دعای خیر، سلامت، سعادت، عزت و نعمت برای فرد صاحب ظرف اشاره نمود.

مراکز تولید

شواهد باستان‌شناختی این مطلب را تایید کرده که سفال قالبی یکی از تولیدات اصلی کوره‌های نیشابور بوده است. در نیشابور هر دو نوع این سفال (بی‌لعب، لعاب‌دار یک‌رنگ) تولید می‌شده است. کاشان، ری، ساوه، زنجان، آمل و جرجان نیز از دیگر مراکز تولید این سفال به‌شمار می‌روند (بنگرید به رفیعی، ۱۳۷۷، کریمی و کیانی، ۱۳۶۴: ۱۹۷۳) (Wilkinson, 1973).

در پایان باید به محوطه باستانی دقیانوس (شهر کهن جیرفت) اشاره نمود که باتوجه به نتایج کاوش‌های باستان‌شناختی و کشف مقادیر قابل توجهی قالب‌های سفالی، جوش کوره و سفال‌های قالب‌زده به‌نظر می‌رسد که از مراکز عمده تولید سفال قالب‌زده بوده که در اثر یورش غزها در سال ۵۷۰ هجری متروک می‌شود (چوپک، ۱۳۸۳، منتشر نشده).

شده است. «به‌طور حتم این ترکیب ماده مهم سفالگری بوده و تقلیدی از خاصیت نیمه‌شفاف و مات ظروف چینی بوده است. از آن‌جا که شکل دادن به خمیر شیشه به سختی انجام می‌گرفته، اشیایی که با این ماده ساخته می‌شدند قالب‌زده شده و در نتیجه ظروف یک شکل و استاندارد می‌شدند» (آلن، ۱۳۸۳: ۲۰). پس از تهیه ظروف با این قالب‌ها، سفالگران آن‌ها را به روش یک‌رنگ به‌طور دلخواه رنگ می‌کردند و برای این کار تمام ظروف در دوغاب لعاب فرو برده می‌شد. (توحیدی، ۲۷۰: ۱۳۷۹)

در ساخت سفال قالب‌زده لعاب‌دار عموماً از سه رنگ لعاب استفاده شده است: سفال سفید قالب‌زده با نوشته کوفی، سفال قالب‌زده با لعاب آبی فیروزه‌ای، سفال قالب‌زده با لعاب لاجوردی. تولید و ساخت این نوع سفال بیشتر در شمال و شمال شرقی ایران مانند نیشابور و جرجان مرسوم بوده است (کریمی و کیانی، ۱۳۶۴: ۳۴). رنگ‌های به‌کاررفته در لعاب زنی این سفال در نیشابور آبی تیره، آبی روشن و به ندرت ارغوانی است. از لعاب بیرنگ نیز استفاده شده است. از این گونه سفالی جدید در نیشابور ظروف متنوعی ساخته می‌شد: کاسه، بشقاب، کوزه، تنک، گلدان، بیه‌سوز، عودسوز و حتی نعبده‌های سفالی.

(Wilkinson, 1973: 259)

گونه خاصی از ظروف قالبی با لعاب یک‌رنگ در کاشان تولید می‌شده که از نظر تکنیکی با تولیدات دیگر مناطق متفاوت است و به شیوه «فلز آذین» معروف می‌باشد: پوشش لعاب سفید به‌وسیله قلع به‌صورت مات درمی‌آید و چنان ارزشمند بود که با نهایت صرفه‌جویی مورد استفاده قرار می‌گرفت. سطوح خارجی ظروف را با لعاب سفید مات پوشانده و سطوح داخلی را با لعاب بی‌رنگ و شفاف می‌پوشانند. ارتباط میان این دو نوع لعاب به‌ویژه در گردن ظروف دهانه بسته قابل توجه است. به نظر می‌رسد لعاب مات پس از لعاب شفاف مورد استفاده قرار می‌گرفته است (خلیلی، ورونیت، ۱۴۰: ۱۳۸۴).

نقش‌مایه‌ها و مضامین تزئینی

به عقیده بعضی از متخصصان در این دوره اشکال، روش‌های فنی و تزئینات مختلف با الهام از محصولات چینی دوره سونگ پدید آمده است. نقوش مسلط بر روی ظروف سفالین در این دوره، تصاویر ملهم از مینیاتور بوده که متأسفانه نمونه‌های کمی از آن‌ها باقی مانده است. این نقوش عموماً صحنه‌های مجالس پادشاهان را تصویر کرده است.

سخن آخر

با ظهور سلجوقیان تحول شگرفی در زمینه صنایع و هنرهای اسلامی به وقوع پیوست. سفالگری نیز هم‌چون دیگر صنایع و هنرها دچار تحولات بنیادین و بروز ابداعات و نوآوری‌های تکنیکی در زمینه تولید، فناوری و شیوه‌های تزئینی شد. به نظر می‌رسد که ثبات و آرامش نسبی که در سایه حکومت قدرتمند و متمرکز ترکان سلجوقی بر ایران حاکم شده بوده در این روند بی‌تأثیر نبوده است.

سفال قالب‌زده که از گونه‌های سفالی صدر اسلام به‌شمار می‌رود و احتمالاً حاصل پیشرفت و تکامل شیوه استامپی است با نوآوری‌های سفالگران سلجوقی به یکی از گونه‌های سفالی متداول این عصر تبدیل شد که در مراکز بسیاری مانند نیشابور، جرجان، ری، جیرفت و ... تولید می‌شد.

ابداعات سفالگران سلجوقی در زمینه سفال قالب‌زده به دو دسته مشخص قابل تفکیک است: ابداعات تکنیکی و فنی، تنوع مضامین و نقش مایه‌ها. استفاده از خمیر شیشه یا کائولین که از ترکیب دو درصد کوارتز ساییده شده، یک درصد خمیر شیشه و یک درصد گل رس سفید به‌دست می‌آید، ابداع تکنیکی سفالگری عصر سلجوقی است که بنابه‌نظر بسیاری از پژوهشگران تقلیدی از ظروف چینی بوده است. از خمیر شیشه در ساخت انواع ظروف لعاب‌دار مانند سفال قالب‌زده با لعاب یک‌رنگ استفاده می‌شد.

سفال بی‌لعاب قالب‌زده این عصر را شاید بتوان «پرکارترین» نمونه سفال بی‌لعاب در هنر سفالگری اسلامی به‌شمار آورد. این سفال از نظر تنوع مضامین و موضوع نقش مایه‌ها به گونه‌های سفال لعاب‌دار و سفال زرین‌فام بسیار نزدیک می‌شود. تصویر انسان‌های نشسته بر روی هم، مناظر شکار و مجالس بزم و سوارکاری که بر روی این سفال به‌کاررفته از مضامین تزئینی رایج سفال زرین‌فام و دیگر گونه‌های لعاب‌دار به‌شمار می‌رود.

کاربرد وسیع مضامین هنری رایج در پیش‌ازاسلام مانند نقوش اساطیری، مضامین هنر ساسانی مانند صحنه‌های دربار پادشاهان و مجالس بزم و استفاده از مضامین موجود در ادبیات مانند داستان‌های شاهنامه فردوسی، که بهرام و آزاده یکی از نمونه‌های آن است، در واقع نوعی رجعت به مضامین هنری ایران باستان است که از زمان حکومت‌های محلی مانند طاهری، صفاری و سامانی زمینه‌های آن فراهم شده بود. بی‌گمان وجود شاهنامه فردوسی نیز در این روند نقش

مؤثری داشته است.

در کنار مضامین یاد شده، باید به استفاده از نقوش گیاهی، اشکال هندسی و استفاده از خطوط و کتیبه‌ها که عموماً به خط کوفی است اشاره نمود. مضمون این کتیبه‌ها غالباً دعای خیر، سلامت و برکت است و عبارت «عز و اقبال و برکه و سعاده و نعمه لصاحبه» بر روی آن‌ها زیاد دیده می‌شود.

در اواخر حکومت سلجوقیان هنر سفالگری ایران به پیشرفت‌های قابل توجهی نایل شده بود که بسیاری از آن‌ها پس از سقوط حکومت سلجوقیان در دوره ایلخانان ادامه یافت. پیشرفت‌های هنری و تکنیکی سلجوقیان در تمام زمینه‌ها به‌ویژه سفالگری در شکل‌گیری الگوهای هنری اسلامی اهمیت اساسی و بنیادی داشته است.

پی‌نوشت

۱ - محوطه باستانی دقینوس (جیرفت کهن) در سال ۱۳۸۱ توسط خانم دکتر حمیده چوبک کاوش شده و کاوش‌های آن هم‌چنان هر ساله ادامه دارد که حاصل این کاوش‌ها کشف انواع سفال قالب‌زده به‌ویژه گونه بی‌لعاب آن می‌باشد.

کتاب نامه

- آن، جیمز ویلسن. سفالگری اسلامی، مهناز شایسته‌فر، مؤسسه مطالعات هنر اسلامی، تهران، ۱۳۸۳.
- بهرامی، مهدی. صنایع ایران: ظروف سفالین. انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۲۷.
- توحیدی، فائق. فن و هنر سفالگری، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۷۹.
- چوبک، حمیده. تسلسل فرهنگی جازموریان: شهر قدیم جیرفت، پایان‌نامه مقطع دکترا، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۳، منتشر نشده.
- خلیلی، ناصر؛ استفان ورونیت. سفال اسلامی، نشر کارنگ، تهران ۱۳۸۴.
- رایس، دیوید تالیوت. هنر اسلامی. ماه ملک بهار، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۱.
- رفیعی، لیلا. سفال ایران از دوران پیش از تاریخ تا عصر حاضر. انتشارات یساولی، تهران، ۱۳۷۷.
- عباسیان، میرمحمد. تاریخ سفال و کاشی در ایران، نشر گوتنبرگ، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۹.
- کامبخش فرد، سیف‌الله. کاوش‌های نیشابور و سفالگری ایران در سده پنجم و ششم هجری، انتشارات وزارت فرهنگ و هنر، تهران، ۱۳۴۹.
- _____ . سفال و سفالگری در ایران از ابتدای نوسنگی تا دوران معاصر. نشر ققنوس، تهران، ۱۳۷۹.
- کربمی، فاطمه. کیانی، محمد یوسف. هنر سفالگری دوره اسلامی ایران، انتشارات مرکز باستان‌شناسی ایران، تهران، ۱۳۶۴.
- Grube, Ernest J.; 1976. *Islamic Pottery of the Eighth Century to the Fifteenth century in the Keur collection*, Oxford
- Wilkinson, C. U; 1973. *Nishabur: Pottery of the Early Islamic Period*, New York.



شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی